

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد ناصر تقوی
معاون مرکز اسلامی هامبورگ در دانشگاه هایدلبرگ

حقوق حیوانات در اسلام

مقدمه :

در اسلام هر موجودی صاحب حق است و موجود بودن حق ایجاد می کند . حقی که باید آن را پاس داشت و محترم شمرد . در عرفان اسلامی و عرفان نظری ، عالمان در این خصوص مباحث زیادی را مطرح کرده اند که در این مختصر نمی خواهیم به آنها بپردازیم . تنها اشاره می کنیم که از میان 4 دسته جمادات ، نباتات ، حیوانات و انسانها ، هر چه از جماد به انسان نزدیک تر می شویم تعلیم پذیری و کمال پذیری بیشتر می شود . یعنی انسان بالاترین درجه کمال پذیری و تعلیم پذیری را دارد و پس از او حیوانات و بعد از آن گیاهان (نباتات) و در درجه آخر جمادات هستند که در بالاترین درجه فعلیت و در کمترین درجه قوه یعنی قابلیت کمال پذیری قرار دارند . همانطور که انسان در بالاترین درجه قوه و کمترین درجه فعلیت قرار دارد .

فارغ از این اهمیت مراتب و درجات کمال پذیری ، همه موجودات – چنانکه گفته آمد – در اسلام ذیحق بوده و می بایست حق موجودیت آنها محترم شمرده شود . در اسلام « انسان کامل » کسی است که حق همه موجودات اعم از انسانها ، حیوانات ، نباتات و جمادات را به نحو احسن و شایسته ادا کند .

طبیعی است و روشن که از میان این چهار دسته انسانها که بالاترین ظرفیت کمالی را دارند از اهمیت بیشتر و حقوق افزونتری برخوردارند به نحوی که حیوان و گیاه و جماد هم در مسیر کمال او استفاده می شوند و اگر چه هر یک از آنها حقوق ویژه و مستقلی دارند ولی در خدمت او هستند . یعنی به قدر ضرورت حیات انسانی ، انسان ها ، حیوانات و گیاهان و جمادات را مصرف می کنند و در واقع کمال حیوانات و گیاهان و جمادات در اینست که در این منظومه در خدمت انسان در آیند .

چنانکه گفته شد اما در عین حال خود حیوانات ، گیاهان و جمادات نیز فی حد ذاته دارای حقوقی هستند . در این نوشته تنها اشاره ای خواهیم داشت به حقوق حیوانات و اهمیت آن طبق دیدگاه اسلام . قبل از اینکه وارد بحث حقوق حیوانات که عمدتاً در سیره و روش زندگی و کلام پیامبر اسلام (ص) و فرزندان دانشمندانش – اهل بیت (ع) – منعکس است ، بشویم ؛ مناسب است تا نگاهی کوتاه به برخی از آیات قرآن بیاندازیم . آیاتی که عیناً کلام خداوند بوده و خالق همه موجودات و از جمله خالق حیوانات ، از حیوانات سخن گفته است . در این خصوص ، 6 موضوع را که در آیات قرآن کریم به آن اشاره شده دسته بندی کرده و بدان می پردازیم :

برداشت‌هایی از قرآن کریم

اول : تسبیح حیوانات :

در قرآن کریم ، خداوند بارها به تصریح می گوید که همهء موجودات عالم تسبیح گوی پروردگارانند اگر چه ما تسبیح آنها را (در حالت معمولی) نمی فهمیم و متوجه نمی شویم :
" تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ " (اسراء / آیه 44)

(هفت آسمان و زمین و هر آنچه در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خداوند مشغولند و موجودی نیست جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی کنید و متوجه نمی شوید .)
و در آیات دیگر نیز آمده است که « يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ » (سوره های جمعه / 1 – تغابن / 1)

و همچنانکه به پیامبرش و همهء انسانها توصیه به تسبیح می کند : « فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ » (نصر ، 3 – و با عبارات مشابه : ق / 39 – واقعه 74 و 96 – و)
در مورد تسبیح جمادات : « وَ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ » (رعد / 13)
(و رعد به ستایش او تسبیح می گوید)

و تسبیح ملائکه و فرشتگان : « وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ » (رعد / 13) – « وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ » (بقره / 30) نیز جداگانه سخن گفته است و به هنگام نقل ماجرای پیامبران بزرگ الهی حضرت داود و حضرت سلیمان خداوند می فرماید که ما کوهها و پرندگان را مُسَخَّر کردیم و با هم تسبیح گوی بودند :
« وَ سَخَّرْنَا لِدَاوُدَ الْجِبَالَ يَسْبُحْنَ وَ الطَّيْرَ » (انبیاء / 79) .

در روایات و احادیث پیامبر اسلام هم جملات زیادی در مورد تسبیح حیوانات وجود دارد که در جای خود به آن اشاره خواهیم داشت .

نکتهء اصلی در مسألهء تسبیح همهء موجودات و تسبیح جانوران اینست که تسبیح گویی متوقف بر معرفت است . نمی شود تسبیح و ستایش خداوند را کرد بدون آن که درک و معرفت از خداوند داشت . پس نتیجهء اولی و بدیهی تسبیح موجودات ، درک و معرفت موجودات است . پس همهء موجودات میزانی از معرفت و درک را دارند و بر اساس میزان معرفت و درک از خالق خود و جهان پیرامون خود به تسبیح و ستایش حق مشغولند . طبیعی است که معرفتهای متفاوت ، تسبیح متفاوت نیز می طلبد . جماد ، تسبیح خود را دارد و گیاه تسبیح خود را و حیوانات نیز تسبیح خود را . هر چند علاوه بر تسبیح اختصاصی موجودات ، گونه ای دیگر از تسبیح را خداوند در قرآن کریم به ما آموخته است و آن تسبیح دیگر موجودات به همراه و به تبعیت از « انسان کامل » همچون حضرت داود است . این خود بحثی زیبا و دامنه دار در عرفان اسلامی است که از آن به « تسبیح معی » یعنی « تسبیح همراه » یاد می شود .

پس برداشت اول آنکه : حیوانات تسبیح می گویند و حیوانات معرفت و شعور ، درک و آگاهی دارند .

دوم : نظام اجتماعی حیوانات

نکته دیگری که از کلام الهی در قرآن کریم در می یابیم آنست که تمام جانوران و حیوانات همچون انسانها دارای امت و اجتماع و نظامی هستند . طبیعی است که ساختار نظام اجتماعی حیوانات بر اساس تفاوتهایی که با انسان دارد ، متفاوت است . در این آیه بنگرید : « وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ » (انعام / آیه 38)

(هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بالش پرواز می کند نیست مگر آنکه امتهایی هستند همانند شما – ما در این کتاب هیچ چیز را فرو گذار نکرده ایم – سپس تمام آنها به سوی پروردگار خود محشور می شوند .)

یعنی این جانوران ، چه در زمین و چه پرندگان در آسمان همه و همه امتها و اجتماعاتی همچون اجتماعات ما دارند و همه نیز در روز قیامت نزد خداوند به وقت رستاخیز محشور می شوند . در روایات و احادیث اسلامی نیز جملات متعددی در مورد رستاخیز حیوانات آمده است . از جمله ماجرای که ابوذر غفاری از اصحاب پیامبر اسلام نقل می کند که نزد حضرت محمد (ص) بودیم و دو بز بهم دیگر شاخ زدند . پیامبر پرسیدند می دانید چرا ایندو بهم شاخ زدند ؟ گفتیم نه . و آنحضرت فرمود خداوند می داند و به زودی در بین آنها (در روز داوری) قضاوت خواهد کرد .

پس برداشت دوم این است که قرآن می گوید حیوانات هم مثل انسانها ، اجتماعات و نظام اجتماعی دارند .

سوم : قدرت و هنر خداوند در خلق حیوانات

در آیات بسیاری از قرآن کریم خداوند انسانها را به تفکر در خلقت حیوانات فرا می خواند و خلقت انسانها و جانوران را نشانه هایی برای اهل یقین ذکر می کند :

« وَ فِي خَلْقِكُمْ وَ مَا يُبْتُ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ » (جاثیه (45) / آیه 4) .

برخی آیات ، خلقت جانوران و حیوانات را نمونه ای از قدرت و هنر نمایی خداوند ذکر می کند و اینکه تأمل در این خلقت جانوران نشانه ای است برای خداشناسی . از جمله این آیات است آیه 45 سوره نور که می فرماید :

" وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ »

(و خداوند هر جنبندهای را از آب آفرید . پس برخی از آنها بر روی شکمشان راه می روند (می خزند) و برخی بر روی دو پا راه می روند و بعض دیگر بر روی چهار پا راه می روند . خداوند هر چه بخواهد می آفریند . براستی که خداوند بر هر چیزی تواناست .)

آیات زیادی در قرآن کریم آمده است که در آن به نوع و ویژگیهای خاص حیوانات و خلقت آنها مثل زنبور عسل، شتر، عنکبوت، مورچه و مگس و ... اشاره شده است. چنانکه بسیاری از سوره های قرآن نیز به نام حیوانات است. مثل سوره بقره، انعام، نحل، نمل، عنکبوت و فیل. این زیبایی شناختی خلقت حیوانات در روایات اسلامی نیز آمده است که در جای خود بدان خواهیم پرداخت. برداشت سوم توصیه به توجه و تفکر در خلقت حیوانات به عنوان نشانه ای از هنر خلایق خداوند است.

چهارم: خداوند روزی دهنده حیوانات

یکی از صفات خداوند صفت «رِزَّاق» است. یعنی بسیار روزی دهنده. او روزی همه موجودات اعم از انسانها و حیوانات را می دهد. در سوره هود آیه 6 خداوند می فرماید: "وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا" (هیچ جنبنده ای بر روی زمین نیست مگر آنکه رزق و روزی اش بر خداوند است و خداوند قرارگاه او را می داند و از نقاطی که به قرارگاهش باز می گردد نیز مطلع است) نکات زیبا و جالبی در این آیه هست. هر جنبنده ای حالات و خصوصیتی در زندگی اش دارد برخی چون ماهی در دریا هستند و در تحرک در یک محیط محدود و برخی چون صدف بسیار کم تحرک تر و برخی چون جنین حیوانات و یا برخی حشرات در زیرزمین ثابت و بعض دیگر پرواز کنان در فضای پهناور چون پرندگان شکاری در پی غذای خود. خداوند تمام قرارگاه ها و آشیانه ها و میدان حرکت حیوانات را می داند و برای هر کدام رزق و روزی ای فراهم آورده است. حتی آن حیوان بی حرکت همچون جنین را رزقش را در همان محیط محدود فراهم می کند. همه جنبندگان و جانوران در دایره علم الهی اند و روزی شان در ید قدرت اوست.

در آیه ای از آیات قرآنی، خداوند در پاسخ به کسانی که این سؤال را می کردند که اگر ما از شهر و دیار خود به خاطر خداوند هجرت کنیم، چه کسی روزی ما را می دهد و چگونه روزی خود را بدست آوریم، مثالی از حیوانات را می زند و می فرماید چه بسیار جنبنده گانی که ضعیف هستند و نمی توانند غذای خود را حمل کنند - یعنی مثلاً نمی توانند ذخیره غذایی داشته باشند - اما خداوند آنها را (گرسنه نمی گذارد) روزی می دهد و همو شما را نیز روزی می بخشد:

"وَكَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ" (سوره عنکبوت / آیه 60)
پس خداوند روزی ده حیوانات است همانطور که روزی ده انسانهاست:
اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ.

پنجم: آزار حیوانات عملی زشت و شیطانی

در یکی از آیات قرآن می خوانیم که شیطان با خداوند سخنی می گوید که «من از بندگان تو نصیب معینی را خواهم گرفت و تحت اطاعت خویش در خواهم آورد» (لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا) و سپس ادامه می دهد که آنها را گمراه می کنم و به آرزوهای

دور و باطل سرگرمشان می سازم (وَ لَأُضِلَّهُمْ وَ لَأَمْنِيَّهُمْ) و آنگاه شیطان می گوید : و آنان را فرمان می دهم که گوشهای چهار پایان را بشکافند و یا قطع کنند و ببرند . « (وَ لَأَمْرُهُمْ فَلْيَبْتِكُنَّ اَذَانَ الْاَنْعَامِ) (سوره نساء / آیه 119) مفسرین قرآن در ذیل این آیه گفته اند که این یک رسم جاهلی بوده است که قبل از اسلام در میان بت پرستان رواج داشته و در آن رسم ، گوش برخی حیوانات چهارپا را می بریدند یا شکاف می دادند و هیچ استفاده ای از آن نمی کردند . این آیه به خوبی نشان می دهد که بریدن گوش حیوانات یا شکاف دادن گوش آنها وعده و فرمانی شیطانی است و عملی زشت و ناپسند . چنانکه در پایان آیه خداوند می فرماید : هرکس شیطان را به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کند زیانی آشکارا کرده است (وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُبِينًا) . در روایات و احادیث بسیاری زشتی آزار حیوانات و حرام بودن آن ذکر شده است که در ادامه همین مقاله برخی از آنها را ذکر خواهیم کرد . پس برداشت دیگر اینکه هر گونه اذیت و آزار حیوانات عملی زشت و شیطانی و موجب خشم خداوند است .

ششم : حیوانات در خدمت انسانها و برای آدمیان

یک دیدگاه افراطی در مورد حیوانات اینست که حیوانات از هیچ نوع و به هیچ وجه و در تحت هیچ شرایطی نمی باید فدای انسانها شوند . تأثیر عملی و رفتاری این گونه طرز تفکر « گیاهخوار شدن مطلق » با این انگیزه که حیوانات نباید برای غذای انسان مورد استفاده قرار گیرند می باشد . اسلام و احکام الهی ادیان این تفکر را هرگز نمی پذیرد . در اسلام هر موجودی جایگاه خاص خود را دارد .

انسان خلیفه الله در روی زمین است و به قدر « نیاز و ضرورت » زندگی می بایست از نعمات و موهبت هایی که خداوند آفریده در مسیر کمال معنوی خود استفاده کند . برای زندگی او برخی حیوانات حلال گوشت معرفی شده اند همانطور که می تواند از گیاهان هم استفاده کند . البته در همان حوزه مجاز خوردنیها مصرف به قدر ضرورت و نه زیاده از حد تأکید شده است . چنانکه در قرآن کریم می خوانیم " كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ " (سوره اعراف / آیه 31)

(بخورید و بیاشامید و لیکن اسراف (زیاده روی) نکنید چرا که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد .)

گاهی اوقات نگاه افراطی به حیوانات آنچنان از مدار عقلانیت خارج می شود که برای از بین رفتن غیر عمدی یک حیوان ، انسانی کشته می شود ! گاهی اوقات آنقدر که به کلینیک پزشکی و تجهیزات یک بیمارستان حیوانات فکر می کنیم ، به اولین نیازهای بهداشتی و بلکه حیاتی انسانهایی که به خاطر سوء تغذیه در حال مرگ هستند نمی اندیشیم . به راستی انسان برای حیوانات است یا حیوانات برای انسان . صد البته دومی صحیح است اما به یک شرط مهم و آن اینکه برای انسان بودن ، بمعنی هرگونه خواسته و شهوت انسانها نیست . بلکه به قدر ضرورت حیات اوست و نه بیشتر !! یعنی همان حیوانات حلال گوشتی هم که مجاز به خوردن گوشت آنها هستیم می بایست به قدر ضرورت زندگی و حیات انسان ها مورد استفاده قرار گیرند و البته که این استفاده انسانها از حیوانات ، در یک نگاه جامع به کمال رسیدن آن حیوانات است .

حیوان حلال گوشت که بزرگ می شود ، رشد می کند و بعد ذبح می شود و قسمتی از گوشت بدن انسان می شود ، زنجیره کمالی خود را پیموده است حال آنکه اگر بی مورد کشته شود و مورد استفاده واقعی قرار نگیرد از این زنجیره و مدار کمالی خارج شده است . همانطور که حیوانات در اکوسیستم حیات وحش هر کدامشان تضمین کننده حیات دیگری و موجب بقاء و زندگی مجموعه حیوانات و طبیعت هستند .

در قرآن کریم همه موجودات آفریده شده در روی زمین برای انسان است و از جمله حیوانات . همه آمده اند و خلق شده اند برای انسان . در دو جای قرآن به صراحت این مسأله را می بینیم که مربوط به این موضوع ماست . هر چند اینکه در مجموعه آفرینش ، « انسان » گل سر سبد هستی و اشرف موجودات است را در آیات زیادی از قرآن به صورت مستقیم و غیر مستقیم مشاهده می کنیم . در سوره بقره آیه 29 خداوند می فرماید : " هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا " یعنی اوست خدایی که آنچه که در روی زمین است را برای شما آفرید و بلافاصله در آیه بعدش کلام خویش را در ابتدای آفرینش به ملائکه نقل می کند که انسان ، خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین است . همینطور در سوره نحل آیات 5 تا 8 می فرماید که خداوند حیوانات چهار پا را برای شما آفرید : " وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ " و سپس به برخی منافع آنها برای انسان اشاره می کند که از پشم و پوست آنها برای لباس و پوشش ، از گوشت برخی از آنها برای خوراک ، از سواری برخی از آنها برای رفت و آمد و تفریح و استراحت و باربری و ... استفاده می کنید .

و در چند آیه بعد وقتی مثالهایی از استفاده های انسان از نعمات الهی را می زند می گوید : " هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا " (نحل / 14) اوست کسی که دریاها را برای شما تسخیر کرده و به خدمت شما در آورده تا از آن گوشت تازه بخورید و مشابه همین تعبیر را در سوره فاطر آیه 35 هم می بینیم . البته چنانکه قبلاً هم گفته آمد این بهره مندی و استفاده (با در نظر گرفتن این پیش بحث) از حیوانات و کلاً طبیعت فقط به قدر « ضرورت » است و نه بیشتر .

انسان چون موجود برتر آفرینش است و معرفت و آگاهی بیشتری دارد ، این « حق بیشتر » ، « مسئولیت بیشتر » نیز در پی دارد . حیوان ، مسئولیتی نسبت به انسان ندارد ولی انسان ، چون برتر است مسئول حیوانات که فروتر از او هستند نیز می باشد . مسئول اینکه حق دیگر موجودات را پاسبانی کند . بنابراین حق بیشتر تکلیف و وظیفه سنگین تری را نیز در پی دارد .

با نظر داشتن این مطالب مناسب است تا نگاهی به روایات و احادیث که جملات پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان دینی اسلام است در این خصوص بیاندازیم . مطالبی که پس از قرآن کریم که وحی و کلام الهی است از جایگاه و اعتبار ویژه ای در اسلام برخوردار می باشند .

برداشت‌هایی از روایات اسلامی

کشتن بی دلیل حیوانات

در روایات و احادیث اسلامی از کشتن حیوانات بدون دلیل و بی جهت، اکیداً منع شده است. تعبیر و اصطلاحی که عیناً به کار رفته «بغیر حق» یعنی در مواردی که حقی برای کشتن نداریم و همچنین «عبث» یعنی بیهوده می باشد. در مجموع بدون حق و بیهوده یعنی هیچ ضرورت منطقی و عقلانی برای کشتن آنها وجود ندارد. این بدان معناست که فراتر از خط قرمز ضرورت‌های عقلانی و منطقی، هرگز نباید حیوانات را کشت. این ضرورت ممکن است برای خوراک انسان نسبت به حیوانات حلال گوشت باشد و یا برای ضرورت‌های منطقی دیگر که مثلاً درمان بیماری‌های خاص است و نیاز به رویت تأثیر دارو در یک حیوان آزمایشگاهی است، باشد. در مورد آزمایشی که با کشته شدن یک حیوان مثل موش، جان بسیاری از انسانها نجات می یابد و اگر بر روی آن حیوان آزمایش نشود، به ناچار می بایست جان یک انسان به خطر بیفتد، اینجا همهء عقلای عالم این دلیل را کاملاً منطقی برای فدا شدن یک حیوان برای هدف انسانی نجات جان انسانها می دانند. اما در همین مورد مثال زده شده هم می بایست فقط به میزان ضرورت آن کار پزشکی باشد و نه بیشتر. چرا که بیشتر از آن حد ضرورت «بغیر حق» و «عبث» (بیهوده) خواهد شد. حتی برای از بین بردن حیوانات مودی که در زندگی انسان وارد می شوند می بایست شرایط را به گونه ای مهیا کرد که اصلاً این ضرورت پیش نیاید تا مجبور به کشتن آن حیوانات شویم. کما اینکه از برخی بزرگان و فلاسفهء معاصر اسلامی نقل شده است که قبل از آنکه مجبور شوید حیوانات مودی و کثیفی که در زندگی شما وارد می شوند - مثل سوسک - را بکشید و از بین ببرید، می بایست شرایط زندگی و نظافت منزل خود را آنچنان تنظیم کنید تا از ابتدا حیوانات مودی آنجا جمع نشوند و تکثیر نشوند تا مجبور به از بین بردن آنها باشید. (1)

در این جملات پیامبر اسلام (ص) دقت کنید:

«قال رسول الله (ص): مَنْ قَتَلَ عَصْفُوراً عَبَثاً، عَجَّ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْهُ، يَقُولُ: يَا رَبِّ، إِنَّ فُلاناً قَتَلَنِي عَبَثاً وَ لَمْ يَقْتُلْنِي لِمَنْفَعَةٍ» [کنز المعال، حدیث 39971]

هر آنکس که گنجشکی را بیهوده و بی دلیل بکشد، آن گنجشک در روز قیامت از او به درگاه خداوند می نالد و می گوید: ای پروردگار من! فلانی مرا نه به جهت منفعت و استفاده که بی دلیل و بیهوده کشت.

و در جمله ای دیگر شبیه این جمله پیامبر اسلام (ص) در ادامهء سخن می فرماید: فلانی مرا بی سبب و بیهوده کشت، بدون آنکه از این کشتن نفعی و سودی حاصلش شود و نگذاشت و اجازه نداد تا من از حشرات زمین استفاده کنم و بخورم (یعنی رهایم نکرد تا به زندگی ادامه دهم). [بحار الانوار، ج 64، ص 4 و همچنین ج 61، ص 270] یعنی وقتی ضرورت و نفع قطعی در کشتن حیوانی نباشد هرگز حق نداریم که حق زندگی کردن را از وی بگیریم و او را از ادامهء حیات منع کنیم.

در جمله زیبای دیگری از پیامبر اسلام (ص) همین ماجرا با یک پرسش از ایشان پیرامون « حق گنجشک » آن ضرورت ذکر شده را روشن تر بیان می کند :

« قال النبي (ص) : ما من انسان يقاتل عصفوراً فما فوقها بغير حقها إنا سأله الله عنها . قيل يا رسول الله و ما حقها ؟ قال : أن يذبحها فيأكلها و أن لا يقطع رأسها و يرمى بها » (بحار الانوار ، ج 64 ، ص 306)

یعنی : هیچ انسانی نیست که یک گنجشک و پرندۀ های بزرگتر از آن را بدون رعایت حقشان بکشد مگر آنکه خداوند او را در مورد آنها مورد بازخواست قرار دهد . پرسیده شد ای رسول خدا و حق این پرندگان چیست ؟ فرمودند : اینکه آنها را ذبح کنند (یعنی با روش خاص شرعی ذکر شده برای حیوانات حلال گوشت) و سپس آنها را بخورند و نه اینکه سر پرندگان را بکنند و یا با سنگ آنها را بزنند .

بنابراین اگر برای خوردن و سیر شدن هم بود ، حق نداریم حیوان را به هر روشی زجر کش کنیم و اگر خواستیم آنها را با روش ذبح هم بکشیم می بایست برای فایده ای باشد و خارج از آن فایده ، حقّ چنین کاری را نداریم . یعنی اگر مثلاً با یک پرندۀ سیر می شویم حق نداریم اضافه تر از آن را بکشیم و اضافه بر آن خارج از حدّ ضرورت می گردد و ناحق می شود .

پیامبر اسلام (ص) در جمله ای دیگر و کلی تر این مطلب را با تصریح در این مورد که آن حیوان و جانور ، چه پرندۀ باشد و چه غیر پرندۀ ، اینطور بیان می کنند :

« ما من دابةٍ - طائرٍ ولا غيره - يُقتل بغير الحقِّ إنا سألنا يومَ القيامةِ »

[كنز العمال ، حدیث 39968 و نیز نهج الفصاحة ، حدیث 2670]

یعنی هر جنبندۀ ای - پرندۀ یا غیر آن - به ناحق کشته شود بزودی در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد .

در روایت بالا واژه عربی « دابة » یعنی هر جنبندۀ ای مورد نظر قرار گرفته بود یعنی هر گونه حیوانی و در برخی دیگر جملات با کلمه « ذی روح » یعنی هر گونه جاننداری را مورد توجه قرار می دهد . مثل این حدیث را که پسر عموی پیامبر اسلام از قول پیامبر (ص) نقل کرده است : " ابنُ عباس : نهي (رسول الله) عن قتل كل ذی روح إنا أن یؤذي " [كنز العمال ، حدیث 39981] از ابن عباس روایت شده است که پیامبر اسلام از کشتن هر گونه جاننداری نهي کردند مگر آنکه آزار و اذیت برسانند . (2)

آزار حیوانات

روایات و احادیث بسیاری نیز در اسلام وجود دارد که در آنها هرگونه اذیت و آزار رساندن به حیوانات به شدت نهي شده و به بازخواست خداوند از این اذیت هشدار داده شده و بلکه این افرادی که چنین رفتاری با حیوانات دارند توسط پیامبر اسلام نفرین می شوند . به این روایات توجه کنید :

« رسول الله (ص) ، لما أبصرَ ناقةً معقولةً و عليها جهازها ، : أين صاحبها ؟ مروه فليستعدَّ عداً للخصومة » [بحار الانوار ، ج 7 ، ص 276] پیامبر خدا حضرت محمد (ص) مادۀ شتری را دید که زانویش بسته شده و جهازش (پالانش) همچنان بر

پشت اوست . پرسیدند : صاحب آن کجاست ؟ به او بگویید خودش را برای دادخواهی و شکایت فردای قیامت این شتر آماده کند .

در روایتی دیگر مشابه همین ماجرا را می بیند که شتری را بسته اند بدون اینکه غذایی و آبی در اختیارش بگذارند . پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« **أین صاحبُ هذه الرَّاحلةِ ؟ ألا تتقی الله فیها ؟ إِمّا أن تعلقها و إمّا أن ترسلها حتّى تتبغی لنفسها** » [کنز العمال ، ج 9 ، حدیث 24983]

یعنی صاحب این حیوان کجاست ؟ آیا در مورد رفتاری که با این حیوان کرده از خداوند نمی ترسد ؟ یا باید او را علف و غذا داد و یا باید رهایش کرد تا برای خود چیزی بتواند پیدا کند و خودش غذا بخورد .

همچنین رسول الله (ص) نفرین می کند کسانی را که حیوانات را مثله می کنند یعنی زنده زنده گوش و بینی و زبان آنها را می برند و آنها را بدین ترتیب اذیت می کنند :

« **عنه (ص) لعنَ الله من مَثَل بالحيوان** » [کنز العمال ، ج 2491]

یعنی : نفرین خدا بر کسی که حیوانی را مثله کند .

همچنین در جملات و روایات دیگری پیامبر اسلام (ص) نهی می کنند از به جنگ واداشتن حیوانات و پرندگان مثل . روایتی که ابن عباس از پسر عموی خود پیامبر اکرم نقل می کند که : « ایشان از جنگ اندازی بین چهارپایان (تحریشُ البهائم) و پرندگان نهی کرده اند چنانکه مردم (برای سرگرمی خود) قوچ و خروس و دیگر حیوانات را به جان هم می اندازند »

[**أنّ النبی (ص) نهی عن تحریش بین البهائم و التجریش الأغراء و تهییج بعضها علی بعض كما یفعل بین الكباش و الدیوک و غیرها**]

(بحار الانوار ، ج 64 ، ص 227 و کنز العمال حدیث 24974 و دیگر کتب روایی با اندکی تغییر در عبارات)

در ماجرای دیگر از پیامبر خدا نقل است که شتر یکی از افراد (حکم بن حارث) از جای بلند نمی شد و این فرد او را می زد . پیامبر می فرماید : شتر را نزن و حیوان را اذیت مکن ! و با کلام و صدا به شتر می گوید : " **حُلْ حُلْ !** " و شتر از جایش بر می خیزد .

امام موسی کاظم (ص) از نوادگان دانشمند پیامبر اسلام (ص) – امام هفتم شیعیان – از قول پدرانش نقل می کند که پیامبر اسلام (ص) از کنار جمعی می گذشتند که آن ها مرغ زنده ای را در جایی آویزان کرده و بسته بودند و با تیر و کمان آنرا هدف قرار می دادند و به عنوان هدف از آن استفاده می کردند . وقتی پیامبر این صحنه را مشاهده کردند با ناراحتی برآشفتنند و گفتند اینان چه کسانی هستند ؟ نفرین خداوند بر آنان باد !

[موسی بن جعفر (ع) عن أبائه علیهم السلام :

قال : مرّ رسول الله علی قوم نصبوا دجاجة حیة و هم یرمونها بالنبل . فقال : من هؤلاء ؟ لعنهم الله !]

(بحار الانوار ، ج 64 ، ص 268)

پیامبر اسلام (ص) حتّی در موقع ذبح حیوانات حلال گوشت ، که برای خوردن گوشت آنها مورد استفاده واقع می شوند علاوه بر دستورات کلی اسلامی برای ذبح حیوانات مثل آب دادن حیوان و تیز بودن وسیلهء برش به خاطر آنکه حیوان سریع راحت شود ، دستورات

بسیار ظریف و دقیق دیگری دارند که جالب توجه است . از جمله اینکه به شدت از این کار نهی کرده اند که حیوانات را در کنار هم قرار داده و یکی پس از دیگری ذبح کنید . یعنی ذبح به گونه ای باشد که حیوانات دیگر آن منظره ذبح حیوان قبلی خود را ببینند . بلکه باید مکان ذبح جدا باشد تا حیوانات دیگر آن صحنه را نبینند و حتی از این هم بالاتر می فرمایند حیوانی که می خواهید ذبح کنید کارد را جلوی چشم حیوان تیز نکنید ! چنانکه در کتب روایی مختلف این ماجرا را در تاریخ نوشته اند که پیامبر اسلام (ص) از جایی می گذشتند و شخصی را دیدند که گوسفندی را خوابانیده و در حالیکه آن حیوان می بیند ، کاردش را تیز می کند . پیامبر به آن شخص فرمودند :

« آیا می خواهی او را ذبح نمایی یا دو بار او را بکشی ؟ »

[أفلا قتل هذا أو یزید أن یمیتها موتتین] (مجمع الزوائد ، هیثمی ، ج 4 ، ص 33) .

این توصیه ها بدین معنی است که حتی برای کشتن حیوانات ، که به دلیل خوردن گوشت آنها صورت می گیرد تا آخرین لحظه می بایست آرامش روانی آنها را به عنوان موجوداتی که درک و شعور دارند به طوریکه از تیز کردن کارد یا از کشته شدن حیوان هم جنس خود آزرده می شوند جلوگیری کرد و هرگز نباید آنها را آزرد . حتی در شرایط دیگر معمولی نیز پیامبر از ترساندن حیوانات و یا زدن آنها برای جابجایی شان نهی می فرمایند . مانند ماجرای که در کتب تاریخی معتبر آمده است و « ابن اثیر » در کتاب معروفش « أسد الغابة » نقل می کند که پیامبر شخصی را دید که با عصایش گوسفندی را می زد تا جا به جا شود . پیامبر می فرماید : او را بیاورید اما نترسانید . و هنگامی که گوسفند را آوردند به آن فرد فرمود گوسفندان را هرگز مزین بلکه با رفق و مدارا و نرمش آنها را پس و پیش کن . [اسد الغابة ، ج 1 ، ص 336]

چنانکه می بینید در این ماجرا نه تنها از آزار حیوان نهی شده است بلکه به مدارا و نرمش با آنان دستور داده شده است . موضوع و دستوری که در بسیاری از روایات اسلامی بدان توصیه شده است و مناسب است تا ما در عنوانی جداگانه بدان بپردازیم .

دستور به مدارا و نرمش با حیوانات

یکی از عناوین و موضوعات مهم در اسلام مسئله « مدارا » و « رفق » است که البته موضوع اصلی این سخن در مورد انسانهاست . یعنی مدارای با مردم (مداراة الناس) . مدارا در یک عبارت کوتاه یعنی تحمل و تساهل (تُلانَس) همراه با شفقت و مهربانی . موضوع بحث ما البته مدارا بین انسانها و جایگاه مهم آن در اسلام نیست ، اما این توصیه به مدارا و نرمخویی ، نه تنها در مورد انسانها نسبت به یکدیگر که در مورد رفتار و رابطه انسان با حیوان نیز توصیه شده است و جملات و روایات بسیار زیادی در این خصوص در میان جملات پیامبر و بزرگان اسلام می بینیم .

مخصوصاً در مورد حیواناتی که به عنوان مرکب انسان و وسیله حمل و نقل او و بار قرار می گیرند ، توصیه جدی به رفق و مدارا با حیوانات شده است .

پیامبر اسلام (ص) در جمله ای تحت یک عنوان کلی که « خداوند رفیق و مدارا را دوست دارد و هرکس برای این کار اقدام کند ، بر انجام آن کمکش می کند » ، از این جمله کلی منتقل می شوند به چگونگی برخورد با حیوانی که سوار بر او می شوید و در ادامه می فرمایند :

« پس هرگاه حیوان چارپای لاغری را سوار شدید ، آنها را در منزلهایشان فرود آورید و استراحت دهید . اگر به زمین خشک و بی گیاهی رسیدید سریع و پرشتاب از آن بگذرید و اگر آنجا سرسبز و پر گیاه بود آنها را در آنجا استراحت دهید . »

[عنه (ص) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفِيقَ وَيُعِينُ عَلَيْهِ ؛ فَإِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ الْعُجْفَ فَأَنْزِلُوها مَنَازِلِها ، فَإِنْ كَانَتِ الْأَرْضُ مُجَدِبَةً فَانْجُوا عَنْهَا وَ إِنْ كَانَتْ مُخْصِبَةً فَأَنْزِلُوها مَنَازِلِها]

(اصول کافی ، ج 2 ، ص 120)

و نیز پیامبر اسلام در حدیث دیگری می فرمایند : چارپایان سالم را سوار شوید (یعنی آنها که مریض هستند را سوار نشوید) و آنها را سالم نگه دارید و آنها را کرسی و صندلی برای خطابه و سخن گفتن خود در کوچه و بازار قرار ندهید . چه بسا مرکوبی (حیوانی که بر او سوار شده اند) از سواره اش بهتر باشد و بیشتر از او به یاد خداوند تعالی است .

[عنه (ص) 9 : إرْكَبُوا هَذِهِ الدَّوَابَّ سَالِمَةً وَاتَّذِعُواها سَالِمَةً ، وَ لَا تَتَّخِذُوا كِرَاسِيٍّ لِأَحَادِيثِكُمْ فِي الطَّرْقِ وَ الْأَسْوَاقِ . فَرُبَّ مَرْكُوبَةٍ خَيْرٌ مِنْ رَاكِبِها وَ أَكْثَرُ ذِكْرًا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْه] (كنز العمال ، حدیث 24957)

پیامبر اسلام (ص) در مورد حیواناتی که بر آنها سوار می شوند یا حمل و نقل بارها را انجام می دهند می فرماید این حیوان شش حق به گردن صاحب خود دارد : هر موقع از آن پیاده شد غذا و علفش دهد ، هرگاه از آبی عبور کرد آبش دهد ، حیوان را نزند ، بیش از قدرت و تحملش آنرا بار نکند ، بیش از حد توانش آن را راه نبرد و مدت زیادی بر روی آن توقف نکند و نشیند .

[عنه (ص) : لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِها سِتُّ خِصَالٍ : يَعْطِها إِذَا نَزَلَ وَ يَعْضُ عَلَيْها الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِه وَ لَا يَضْرِبُها وَ لَا يَحْمِلُها ما لَا تُطِيقُ وَ لَا يَكْلِفُها مِنَ السَّيْرِ إِلا طاقَتَها وَ لَا يَقْفُ عَلَيْها فَوْاقًا] (مستدرک الوسائل ، ج 8 ، ص 258)

در یکی از نامه های مهم تاریخی امام علی (ع) که در سال 36 هجرت (36 سال پس از هجرت پیامبر اسلام که مبدأ تاریخ اسلام است) و به مأموران جمع آوری مالیات نوشته شده ، برای جمع آوری مالیاتی که مربوط به حیوانات می شود دستورات بسیار جالب توجهی را می بینیم که حاکی از کمال دقت در رعایت حقوق حیوانات و نیز مدارا و رفتار نرمخویانه با حیوانات است . امام علی (ع) پس از آنکه دستور می دهد که مأموران حکومت در گرفتن مالیات با روش سختگیرانه رفتار نکنند می گوید « حیوانی را رم مدهید و هراسان نکنید . در انتخاب برای مالیات این انتخاب را به خود دامدار و صاحب حیوانات واگذارید تا اگر به حیواناتی علاقه دارد نزد خود نگه دارد.... در رساندن حیوانات و انتقال آنها سعی کنید حیوانات را به دست چوپان که خیرخواه و مهربان و امین و حفیظ (بسیار نگهدارنده) است که نه سختگیر است و نه ستمکار و نه تند می راند (که حیوانات آزار ببینند) و نه کند که از کندی حیوانات را خسته کند بسیار بین حیواناتی مثل شتر که بچه دارند با نوزادشان جدایی میانداز و آنچنان شیرشان را ندوشید که به بچه هایشان که شیر نیاز دارند ضرری وارد شود .

مراعات حال شترانی که خسته اند یا زخمی هستند که سواری دادن بر ایشان سخت است را بنمایید . در سر راه آنها را درون آب ببرید و آبشان دهید و از جاده هایی که در اطرافشان گیاه و علف است عبور دهید و از جاده های بی علف نگذرانید و هر از گاهی حیوانات را استراحت دهید و فرصت دهید تا علف بخورند و آب بنوشند آنها را سرحال و فربه و نه خسته و کوفته بیاورید تا ما آنها بر اساس دستورات اسلام بین مردم تقسیم کنیم.»

[نهج البلاغة ؛ امام علی (ع) ، نامه 25]

پیامبر اسلام (ص) نیز دستورات بسیاری در مورد مدارا و نرمی با حیوانات دارند از جمله اینکه می فرمایند هنگام دوشیدن شیرشان ناخنهای خود را بگیرد تا پستان حیوانات خراش نیبند و اذیت نشوند . [طبقات الکبری ، ج 7 ، ص 48] ، به هنگام سوار شدن بر حیوانات از سوار شدن چند نفره پرهیزید [بحار الانوار ، ج 64 ، ص 219] و در موارد متعدد توصیه به رعایت حال حیواناتی که از شیر آنها استفاده می شود و اینکه باید حتماً سهم شیرنوزادان آنها را رعایت کرد ، فرموده اند .

در جدی ترین شرایط مثل زمان فتح مکه ، پیامبر اسلام (ص) وقتی با سپاه مسلمانان برای وارد شدن به مکه حرکت می کردند ، در بین راه سگی را می بینند که برای بچه هایش زوزه می کشد و بچه هایش در حال شیر خوردن از مادرشان هستند . حضرت محمد (ص) یکی از افراد خود را به صورت ویژه مأمور می کند که در جلوی این سگها بایستند و مراقب آنها باشد تا سپاهیان که از آنجا می گذرند ناخواسته آسیبی به آن سگ و بچه هایش نرسد . همچنین پیامبر اسلام (ص) در موارد متعددی از شکار شبانه پرنندگان و حیواناتی که در حال خواب هستند و همینطور جوجه پرنندگان که هنوز بال در نیاورده و قدرت پرواز ندارند ، به شدت نهی کرده اند .

[ر. ک. فروع کافی ، ج 6 ، ص 216 و دیگر کتب روایی]

نمونه های توصیه به مدارا و نرمش با حیوانات از یک سو و نهی شدید از برخورد سختگیرانه و خشن با آنها از سوی دیگر در سیره و جملات پیامبر اسلام (ص) بسیار زیاد است و در کتب تاریخی مختلف به دقت و با جزئیات مضبوط شده است که به علت رعایت اختصاری که در این نوشته در نظر داریم از ذکر دیگر موارد صرف نظر می کنیم .

چگونگی رفتار با حیوانات ؛ وسیله رحمت یا عامل عذاب خداوند

موضوع دیگری که در نگاه به احادیث اسلامی جلب توجه می کند ، روایاتی است که در آنها با بیان چگونه رفتار کردن با حیوانات و بسته به مثبت بودن یا منفی و نادرست بودن آن رفتار ، رحمت و مغفرت الهی یا عذاب و غضب الهی وعده داده شده است . این مطلب علاوه بر خصوصیت روانی و الزام برانگیزی تشویق یا تنبیه و تحذیر انسانها ، حاکی از اهمیت داشتن مسأله رفتار درست و صحیح با حیوانات است و این که خداوند چقدر به دیگر مخلوقاتش اهمیت می دهد . به بیان دیگر انسان نباید گمان کند که حال که موجود برگزیده و گل سر سبد هستی است ، حق دارد هرگونه رفتاری با دیگر حیوانات داشته باشد یا حیوانات دیگر در مقابل انسان چندان اهمیتی برای خداوند ندارند . هرگز چنین نیست . بلکه خداوند آنچنان به این مسأله اهمیت می دهد که « بلعم باعورا » آن فرد مستجاب الدعوة زاهد در میان قوم بنی اسرائیل وقتی الاغ خود را وادار می کند تا بالای

کوه بیاید و آن الاغ به خاطر اینکه در آن رفتن بالای کوه ، مقابلهء بلعم باعورا با پیامبر الهی بوده است نمی آید ، آنقدر الاغ را کتک می زند تا آن حیوان جان می دهد و خداوند به خاطر این کار ، مقام مستجاب الدعوة ای و تأثیر اسم اعظم خود را از او می گیرد و او را عذاب می کند . از سوی دیگر در روایات اسلامی معتبر آمده است که زنی فاسد و بدکاره سگی را در بیابان می بیند که بر سر چاهی از تشنگی له له می زند و چون نمی توانسته داخل چاه شود و آب بخورد نزدیک بوده از تشنگی هلاک شود . آن زن کفش خود را در می آورد (یا در برخی نقل ها بوسیلهء لباس خود) و آن کفش را به پارچهء سر بندش وصل می کند و داخل چاه آویزان می کند و از چاه آب می کشد و به سگ می نوشاند . پس خداوند به خاطر این کار گناهان آن زن را می بخشد . این حدیث و ماجرا از پیامبر اسلام نقل شده است .

[عنه (ص) غُفِرَ لِامْرَأَةٍ مَوْمِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَكِيٍّ يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ ، فَتَزَعَتْ حُقْفَهَا فَأَوْ تَقْتَهُ بِخِمَارِهَا فَتَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ ، فُغْفِرَ لَهَا بِذَلِكَ]

(كنز العمال ، حدیث 43116 و بحار الانوار ج 65 ص 65)

بنابراین همانطور که ستم و رفتار بد با حیوانات موجبات کفر الهی را در پی دارد ، احسان و رفتار خوب با حیوانات ، رحمت و مغفرت خداوند را برای انسان به ارمغان می آورد . حتی در روایتی از پیامبر اکرم (ص) است که نوعی وابستگی و پیوند میان ستم و ظلم و رفتار ناشایست به حیوانات و بخشیده شدن بسیاری از گناهان انسان را بیان می کند به این مضمون که اگر آنچه از اعمال بد و نادرستی که با حیوانات می کنید بخشیده شود ، بسیاری از گناهان شما بخشوده خواهد شد :

[عنه(ص) : لَوْ غُفِرَ لَكُمْ مَا تَأْتُونَ إِلَى الْبَهَائِمِ لُغْفِرَ لَكُمْ كَثِيرًا]

(كنز العمال ، حدیث 24973)

جزای آزار حیوانات آنچنان است که می تواند باعث آن شود تا سرنوشت و فرجام کسی در آتش جهنم قرار گیرد . چنانچه از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که « زنی به جهنم رفت به این جهت که گربه ای را بسته بود و به او غذا نداد و او را آزاد نمی کرد تا برای خود غذایی از روی زمین پیدا کند تا اینکه آن گربه مُرد »

[رسول الله (ص) : دَخَلَتْ امْرَأَةٌ النَّارَ فِي هَرَّةٍ رَبَطَتْهَا فَلَمْ تُطْعِمَهَا وَلَمْ تَدْعَهَا تَأْكُلَ مِنْ حَشَاشِ الْأَرْضِ حَتَّى مَاتَتْ]

(نهج الفصاحة ، حدیث 1559)

پیامبر اسلام (ص) از طریق نقل این حقایق می خواهد ما را متوجه به رفتار درستمان با حیوانات و نهی از بدرفتاری با هر گونه حیوانی بنماید و این واقعیت را به عنوان پیامبر الهی مرتبط با ملکوت بگوید که چقدر رفتار نادرست با حیوانات مورد سخط و خشم خداوند است و تا چه اندازه در فرجام و عاقبت ما می تواند مؤثر باشد و حتی جایگاه ما را به خاطر این رفتار در آتش قرار دهد . همچنانکه با بیان واقعیاتی دیگر مثل ماجرای آن زنی که به سگ آب داد ما را به خوشرفتاری با حیوانات ترغیب و تشویق می کند . پیامبر اسلام (ص) می فرماید ترحم و دلسوزی و خوشرفتاری حتی با یک گوسفند ، موجبات رحمت و ترحم خداوند را نسبت به انسان فراهم می آورد و خداوند به انسان رحم می کند .

[رسول الله (ص) : وَالشَّاةُ إِنْ رَحِمْتَهَا يَرْحَمَكَ اللَّهُ] (نهج الفصاحة ، حدیث 3178)

زیبایی شناسی حیوانات

یکی از جلوه های توجه به حیوانات در اسلام نگاه زیبا شناسانه به آنهاست. نگاهی که از شناخت و درک آن زیبایی هم به لذت درونی و به حس فطری زیبایی دوست خود پاسخ می دهیم و هم به موجب آن می توانیم به خالق این زیبایی ها توجه کنیم و چنانچه در ابتدای این سخن و در مورد آیات قرآن گفته شد، از این زیبایی های موجود در هستی به « زیبا آفرین » متوجه شویم.

خدایی که بنا به گفته پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) خود زیباست و زیبایی را دوست دارد [**انّ الله تعالی جمیلٌ یحبُّ الجمال**] (نهج الفصاحة ، حدیث 690) . دیدن زیبایی طبیعتاً ما را به این تفکر وا می دارد که خالق این زیبایی های موجود در مخلوقات کیست ؟ و این « تفکر » بسیار مهم و ارزشمند است . تفکری که خداوند در قرآن ما را بدان بارها و بارها امر کرده که : تفکر کنید ! بیاندیشید ! آیا نمی اندیشید ! آیا فکر نمی کنید ؟ و اوست خداوندی که آیات و نشانه هایش را برای شما بیان می کند تا شما اندیشه کنید و انسانهای با معرفت و حق شناس کسانی هستند که در مخلوقات خداوند دائماً اندیشه می کنند و ... (آیاتی چون : سوره انعام / آیه 50 – سوره روم / آیه 8 - سوره آل عمران / آیه 191 – سوره رعد / آیه 3 – سوره نحل / آیه 11 – آیه 21 و ...) و پیامبر اکرم (ص) نیز بارها به این اندیشه کردن در مخلوقات الهی توصیه کرده اند که « **تفکروا فی خلق الله** » (نهج الفصاحة ، حدیث 1172)

در این میان برخی روایات اسلامی با تمرکز بر روی حیوانات نمونه هایی از این نگاه زیبا شناسانه را به ما آموزش داده اند . به عنوان نمونه امام علی (ع) – داماد با فضیلت پیامبر اسلام (ص) و فرزند معنوی ایشان و امام اول شیعیان – در خطبه 165 نهج البلاغه پیرامون شگفتی خلقت طاووس و زیبایی این پرنده سخن می گوید . در این خطبه علاوه بر مباحث زیبایی شناختی (aesthetics) که مورد علاقه زیبا شناسان خواهد بود (3) ، از لحاظ اینکه حضرت امام علی (ع) در 1400 سال پیش این مطالب را در مورد آناتومی پرندگان و علم پرنده شناسی (Ornithology) ذکر کرده اند بسیار جالب توجه است . همچنین جالب است که برخی از خرافات مطرح آن زمان در خصوص تولید مثل پرندگان در این خطبه نفی می شود . در قسمتهایی از این خطبه می خوانیم :

« از شگفت ترین آفرینشها در میان پرندگان طاووس است که در استوار ترین شکل آنرا بیافرید و رنگ های پرو بالش را به نیکوترین رنگ آمیزی بیاراست . با بالهایی زیبا که پرهای آن به روی یکدیگر انباشته و دُم کشیده اش که هنگامی که به سوی ماده پیش می رود آن را چونان چتری می گشاید و برسر خود سایبان می سازد . گویی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است . »

در بخشی دیگر از این خطبه امام علی (ع) چنین به توصیف طاووس می پردازد :
« گویی نی های پر طاووس چون شانه هایی است که از نقره ساخته شده و آن
گردیهای شگفت انگیز آفتاب مانند که بر پرهای اوست از زر ناب و پاره های
زبرجد بافته شده است . اگر رنگ های پر طاووس را به رویدنیهای زمین
تشبیه کنی خواهی گفت : دسته گلی است که از شکوفه های رنگارنگ گلهای
بهاری فراهم آمده و اگر آن را با پارچه های پوشیدنی همانند سازی ، همچون
پارچه های زیبای پر نقش و نگار یا پرده های رنگارنگ و بُردیمانی است و
اگر آن را با زیورآلات مقایسه کنی همچون نگین های رنگارنگی است که در
نواری از نقره با جواهرت زینت شده است . »

امام علی (ع) در قسمتی دیگر و در توصیف پر های طاووس می گوید :
« اگر در تماشای یکی از پرهای طاووس دقت کنی ، لحظه ای به سرخی گل و
لحظه ای دیگر به سبزی زبرجد و گاه به زردی طلای ناب جلوه می کند .
راستی هوشهای ژرف اندیش و عقلهای پر تلاش چگونه این همه از حقایق
موجودات را می تواند درک کند ؟ و چگونه گفتار توصیف گران به نظم کشیدن
این همه زیبایی را می توانند بیان کنند ؟ در درک کمترین اندام طاووس ، گمانها
از شناخت در مانده و زبانها از ستودن آن در کام (دهان) مانده است . پس
ستایش خداوند را سزاست »

این خطبه بسیار زیباست و علاوه بر خصوصیات و زیبایی های طاووس در مورد دیگر
انواع پرندگان که از شگفتی های آفرینش هستند و نیز در مورد حشرات و جانداران
کوچک نیز مطالبی آمده است . همینطور در خطبه 155 نهج البلاغه در مورد شگفتی
های خفاش و خصوصیات ویژه این پرنده پستاندار مطالب جالب و خواندنی ای را می
بینیم . در قسمتی از این خطبه می خوانیم :

« از زیباییهای صنعت پروردگاری و شگفتی های آفرینش او، همان اسرار
پیچیده حکیمانه در آفریدن و خلقت خفاشان است که روشنی روز که همه چیز
را می گشاید چشمان آنها را فرو می بندد و تاریکی شب که همه چیز را فرو می
بندد و به خواب می برد ، چشمان آنها را می گشاید . »

و نیز در خطبه 185 نهج البلاغه امام علی (ع) در مورد شگفتی ها و زیبایی های ملخ
(جرّاد) می گوید : « خدا برای او دو چشم سرخ و دو حدقه چونان ماه تابان آفرید
و به او گوش پنهان و دهانی متناسب اندامش بخشید . دارای حواسی نیرومند و
دو دندان پیشین که گیاهان را می بینند و دو پای داس مانند که اشیاء را بر می
دارد »

در همین خطبه در خصوص شگفتی های آفرینش مورچه و اندام کوچک او و دستگاه
گوارش او و نوع حرکت این موجود کوچک سخن می گوید و در آخر تأکید می کند که
اگر اندیشه ها را به کار گیرید ، برای پی بردن به رازهای آفرینش در می یابید که خالق و
آفریننده این مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست !

معرفت و شعور حیوانات

پیشتر و در مقدمه این گفتار ، گفتیم که در اسلام همه موجودات و از جمله حیوانات دارای شعور، درک و معرفت هستند و به اندازه درک و معرفت خود نیز تسبیح گوی پروردگارانند . درقرآن کریم هم علاوه بر تسبیح موجودات ، سخن از نوعی سجده و کرنش برای موجودات هم آمده است که : هر آنچه در آسمانها و زمین است یرای خداوند متعال سجده می کنند :

" **وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ** " (نحل (16) ، آیه 49) و در برخی آیات به جای « ما » که بمعنی هر آنچه است ، به صورت دیگری با « من » یعنی « هر که » از جانداران و جانوران آمده است :

" **وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** " (سوره رعد (13) ، آیه 15) در هر صورت تسبیح و سجده متوقف بر معرفت ، درک و شعور است . این مسأله شعور موجودات در بسیاری از روایات و احادیث اسلامی نیز آمده است که ما به عنوان نمونه تنها به چند مورد از آنها اشاره می کنیم .

پیامبر اسلام (ص) به یکی از افراد که صاحب حیوانی بود و به آن حیوان رسیدگی مناسبی نمی کرد فرمود : « آیا نسبت به این حیوانی که خداوند در اختیار تو گذارده و تو را مالک او کرده از خداوند نمی ترسی ؟ این حیوان از گرسنگی و رنج و آزاری که به او می رسانی نزد من شکایت کرد »

[**عنه (ص) : أَلَا تَتَّقِي اللَّهَ فِي هَذِهِ الْبَهِيمَةِ الَّتِي مَلَكَ اللَّهُ تَعَالَى أَيَّاهَا ؟ فَإِنَّهُ شَكَا إِلَيَّ أَنْكَ تُجِيعُهُ وَتُدْبِيهُ**] (كنز العمال ، حدیث 24982)

همچنین پیامبر اسلام (ص) می فرماید :

« به صورت حیوانات نزنید زیر آنان حمد و تسبیح خداوند را می گویند . »

[**عنه (ص) : لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوْهَهَا ؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ**]

(بحار الانوار ، ج 7 ، ص 276) و نیز از پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) نقل است که می فرماید :

آیا می دانید که شیر در غرّش خود چه می گوید؟ او می گوید : پروردگارا مرا بر هیچیک از نیکوکاران مسلط نفرما ! [**عن رسول الله (ص) : أَتَدْرُونَ مَا يَقُولُ الْأَسَدُ فِي زَنْبِيرِهِ ؟ يَقُولُ : اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْنِي عَلَى أَحَدٍ مِّنْ أَهْلِ الْمَعْرُوفِ**] (كنز العمال ، حدیث 16013) برخی از عرفای اسلامی همچون مولوی با استفاده از معارف اسلامی ، این معرفت و تسبیح حیوانات را علاوه بر تسبیح گویی خداوند ، پند و موعظه ای برای ما هم می دانند . مانند خروس سحری که هنگام خواندنش در سحر گاهان علاوه بر تسبیح الهی به ما نیز یادآور می شود که « از عمر شبی گذشت و تو بی خبری ! » :

دانی که چرا همی کند نوحه گری
کز عمر ، شبی گذشت و تو بی خبری !

هنگام سپیده دم خروس سحری
یعنی که نمودند در آینه صبح

یا عارفانی چون حافظ در اصطلاحات عرفانی خود از پرندگانی چون « هُدُود » - اشاره به هُدُود حضرت سلیمان که از ملکه سبأ برای حضرت سلیمان خبر شادی آورد و داستانش در قرآن کریم آمده است - به عنوان سبب بشارتهای رحمانی یاد می کند :

صبا به خوش خبری هُدُود سلیمان است که مژده طرب از گلشن صبا آورد .

در ماجرای حضرت سلیمان که یکی از معجزات او دانستن زبان حیوانات بود ، خداوند در قرآن گفتگوهای این پیامبر بزرگ الهی را با حیوانات مختلف مثل مورچه و پرندگان را ذکر می کند که همگی نشان از معرفت و درک و شعور حیوانات دارند . حضرت سلیمان که به گفته خداوند در قرآن وارث مَلِكِ داود شد به مردم می گوید ما را زبان پرندگان آموختند : " يا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مِنْطِقَ الطَّيْرِ " (سوره نمل (27) ، آیه 16) و به تصریح قرآن علاوه بر « باد » که در اختیار او بود لشکریانش از انسانها و اجنه و پرندگان بودند و هر یک از گفتگوهای حضرت سلیمان با حیوانات که در قرآن آمده است و دلیلی روشن بر معرفت و شعور حیوانات می باشد ، بسیار جالب و تفکر بر انگیز است .

در برخی از روایات اسلامی حتی به معرفتها و آگاهی های ویژه حیوانات نیز اشاره شده است مثل امام سجّاد (ع) - نبیره رسول الله و امام چهارم شیعیان - که از جمله معرفتهای ویژه حیوان را آگاهی بر مرگ (معرفتها بالموت) و قدرت دیدن چیزهایی که انسانهای معمولی قادر به دیدن آنها نیستند و نیز قدرت تشخیص جنسیت و نر و ماده بودن (معرفتها بالانثی من الذکر) می داند .

جمع بندی و نتیجه

از مجموع آنچه که گفته شد به این نتیجه می رسیم که در اسلام اولاً : هر چه که « هست » دارای حق می باشد . نتیجه اینکه حقوق حیوان و بلکه همه موجودات دیگر اگر چه در حوزه ای ، در نسبت با انسان تعریف می شود ولی هرگز به طور کلی حقوق آنها در نسبت با انسان تعیین نمی شود . حیوان حق دارد ، یک گل حق دارد و یک صخره سنگ حق دارد و مستقلاً این حق آنها در نظر گرفتنی و ادا شدنی است . به عبارت دیگر ، در تفکر اسلامی وجود منشاء حق است لذا تمامی حقوق منشاء ذاتی دارد و حقوق موضوعه هم به حقوق طبیعی باز می گردد . حقوق فقط برای بشر نیست که بگوییم فقط حقوق بشر به عنوان یک موجود ویژه مهم است . اینگونه نیست که چون با بحران مواجه شدیم باید سراغ حقوق حیوانات یا حقوق زیست محیطی برویم و آنها را رعایت کنیم . همانقدری که انسان می بایست حقتش رعایت شود ، حیوان هم می بایست حقتش رعایت شود . البته هر کس به اندازه سعه و جودی خودش . انسان و شخصیت برترش و اینکه خداوند طبیعت و حیوانات را در تسخیر او در آورده است ؛ این برتری ، مسؤلیت و وظیفه بیشتری را هم متوجه او می کند . « تسخیر موجودات » اعم از حیوانات و طبیعت برای انسان به معنی بهره مندی یک سویه و یک طرفه از آنها نیست . تسخیر کردن نوعی پاسبانی و پاسداشت و تکلیف و

وظیفه را نیز با خود دارد و این برعهده انسان است که آگاهی بیشتری و معرفت افزونتری دارد. حال آنکه گفتیم حیوانات و دیگر موجودات این وظیفه و مسئولیت را نسبت به انسان ندارند. بلکه انسان وظیفه دارد که مسئولیت خویش را رعایت کند تا جایی که حتی حیوانی را هم که می خواهد ذبح کند آن حیوان را مقابل حیوان دیگر ذبح نکند. تا جایی که اسلام می گوید حیوانی را که می خواهی ذبح کنی احساسات او را و احساسات خودت را در نظر بگیر و آن حیوان اگر چه حلال گوشت باشد ولی چون حیوان خانگی تو بوده آن حیوان را نکش و این احساسات را مورد توجه قرار بده.

دوم: بهره مندی از طبیعت و حیوانات فقط و فقط به اندازه « ضرورت » است نه بیشتر از آن. حتی به اندازه ای که بر پشت حیوانی زیاده از ضرورت بنشیند و با دیگران صحبت کنی. این نشستن اضافه بر ضرورت حمل و نقل، عدم رعایت حق اوست و خارج از آن خط قرمز ضرورت و نادیده گرفتن حق حیوان. این یعنی هرگز نباید انسان در نسبت با حیوانات و طبیعت فقط به نفع خود بنگرد و صرفاً این رابطه را بر مبنای انتفاع و سودی که می برد تنظیم کند.

سوم: برای تصحیح نگاه صد درصد سود انگارانه به حیوانات و طبیعت، می بایست نوع جهانی بینی خود را تصحیح کنیم. در فلسفه اسلامی این نگاه بر اساس تئوری « وحدت وجود » (unity of all Being) - که توسط فیلسوف برجسته اسلامی - ملاصدرا شیرازی - که سردمدار حکمت متعالیه (Transcendental wisdom) است براهین آن تبیین شده، نوعی « این همانی » میان انسان و همه هستی برقرار است. درست است که انسان موجود برتر هستی است، ولی نکته ظریف در اینجا است که محوریت و برتری انسان بدین جهت است که وی جامع جمیع موجودات است و انسان « شخصیت جمعی » (Collective personality) تمام طبیعت است. تمام موجودات برخی از وجود انسان هستند و حیوان و گیاه، قسمتی از وجود انسان. در اسلام تمام جهان انتشار و پراکنده شده وجود انسان است و انسان فشرده تمام جهان. حفظ تعادل و حفظ شخصیت جمعی انسان به اینست که حق همه اعضای شخصیت خود را پاس بدارد و ادا کند. بنابراین، این نکته مهمی در فلسفه و عرفان اسلامی است که عشق به طبیعت بر اساس منفعت و سود و تلذذ حاصل از انتفاع نیست بلکه عشق بر مبنای حُب ذات است و هیچ عشقی استوارتر و برانگیزاننده تر از این نوع حُب و عشق نیست و آنچه می خواهد انسانها متوجه آن باشند همین است. وحدت وجود و یگانگی موجودات، نه تفرق و قطعه قطعه بودن و پاره گی وجود!

انسان هر مقدار که بتواند « جهان بیرون » را « درونی » کند، به انسان ایده آل نزدیک می شود. « این همانی » انسان و جهان است که انسان، زیبایی حیوانات و زیبایی طبیعت را زیبایی خود می بیند و آسیب به حیوانات و طبیعت را نیز آسیب به خود می بیند. اگر جهان بیرون درونی نشود و برعکس، خود محدود انسان به بیرون منتقل شود، آنگاه است که خودخواهی، خودشیفتگی و خشونت پدید می آید. و هر چه جهان بیرون را درونی کنی به کمال دست یافته ای. عرفای بزرگ اسلامی مثل « ابن عربی » بر اساس

همین معارف و تفکر اسلامی است که می گویند جهان ، اجزای بدن انسان کامل است و بدن ، یعنی شخصیت وجودی او .

چهارم : از آنجا که بین انسان و جهان « این همانی » برقرار است ، کرامت هم فقط مختص انسان نیست ، اگر چه او از کرامت ویژه ای که خداوند به او داده برخوردار است ولی حیوان نیز کرامت خاص خود را دارد .

از این نگاه است که حیوان را موقع حرکت دادن باید با آداب خاص حرکت داد و نه با هرگونه رفتاری ! و از این جهت نباید به صورت حیوان زد . همینکه پیامبر اسلام می گوید به صورت حیوان نزنید که او تسبیح پروردگار را می گوید ، یعنی او معرفت ویژه خود را دارد و احترام و کرامت خاص خود را .

این کرامت گذاری و احترام قائل شدن بر اساس این منظومه معرفتی در اسلام موجب شده تا فقهای اسلام نیز بر اساس این تفکر و ارزشگذاری ، احکام فقهی خاصی را صادر کنند . فقهای اسلامی بزرگ مثل شهید ثانی ، محقق حلی ، علامه مجلسی و ... در این خصوص فتاوی بسیاری صادر کرده اند . مثل اینکه رسیدگی غذایی به هر نوع حیوانی که غذا ندارد واجب است و اگر شخصی در این وظیفه کوتاهی کند و حیوان تلف شود گناهکار است . یا مثلاً حیواناتی مثل کرم ابریشم که با برگ توت زندگی می کنند ، بر مالک آنها واجب است که به قدر نیاز حیوان برگ تهیه کرده و از تلف شدن حیوان جلوگیری کند و حتی اگر برگ توت در دسترس نبود باید حاکم (دولت) قسمتی از اموال صاحب حیوان را بفروشد و برای آن حیوان غذا تهیه کند . یعنی اگر صاحب حیوان هم نخواست ، حاکم شرع می بایست مشکل را حل کند یا او را مجبور به انفاق حیوان یا فروش حیوان کند .

در فتاوی اسلامی برای نجات جان حیوان می توان وارد در ملک خصوصی افراد دیگر - بدون اجازه - شده و این حکم درست همانند نجات جان انسان است . « وضو » شرط اصلی عبادت روزانه نماز در اسلام است و بر هر کسی واجب است در صورت نیافتن آب تا چند کیلومتر در اطراف خود جستجو کند تا آب بدست آورد و وضو بگیرد . اما حفظ و نجات جان حیوان آنقدر مهم است که اگر شخصی مقدار کمی آب در اختیار دارد و حیوان یا حیواناتی که در اختیار دارد تشنه هستند باید آن آب را به حیوانات تشنه دهد و خودش برای نماز تیمم کند و این را از باب حرمت و احترام حیوان صاحب روح می دانند و بسیاری از فتاوی دیگر که جملگی برخاسته از همان نگاه و تفکر اسلامی به جایگاه حیوان و نوع رابطه او با انسان می باشد .

پنجم : و بالاخره دیدیم که خداوند در قرآن ، و بزرگان اسلام در جملات خود ، به دنبال ایجاد تفاهم بیشتر میان انسان و حیوان هستند . جمع و امت آنان را همانند اجتماعات و گروههای انسانی مثال می زنند ؛ تأمین رزق و روزی آنها را همانند رزق و روزی ما می دانند ؛ همانطور که در روابط انسانی توصیه به مدارا و نرمش با دیگر انسانها می کنند توصیه به مدارا و عدم آزار حیوانات می کنند ؛ همانطور که نوع رفتار ما با دیگر انسانها عامل رحمت یا عذاب پروردگار است چگونگی رفتار ما با حیوانات هم باعث عذاب یا رحمت خداوند است ؛ همانگونه که انسانها درک و شعور و تسبیح دارند حیوانات

هم به اندازه دایره وجود خویش درک و شعور و تسبیح و سجود دارند و چه بسا حیواناتی که در این جنبه از برخی انسانهای غافل جلوتر و بالاتر باشند .

امیدوارم در این مجال توانسته باشم گزارشی کلی از مجموعه مطالبی که پیرامون حقوق حیوانات در اسلام است را منتقل کرده باشم . هر چند سخنان و مباحث دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که این فرصت محدود مجال طرح آنها را از ما می ستاند .

والسلام علیکم و رحمة الله / سید محمد ناصر تقوی - جولای 2007

پی نوشتها :

1. این جمله از فیلسوف ، فقیه و مفسر بزرگ معاصر علامه طباطبایی - نویسنده تفسیر بزرگ قرآن « المیزان » - نقل شده است .
2. در مورد نهی از کشتن بی دلیل حیوانات روایات و جملات زیاد دیگری موجود است که ما به دلیل رعایت اختصار تمام این موارد را ذکر نکردیم . فقط یک نکته قابل ذکر است که در مورد حیوانات بسیار کوچک مثل مورچه ، علاوه بر اینکه پیامبر اسلام (ص) دستور صریح دارند که مورچه را نکشید (لا تقتلوا النمل) [بحار الانوار ، ج 4 ، ص 24 و نیز در کنز العمال و بسیاری کتب روایی دیگر این حدیث آمده است] ؛ حتی توصیه می کنند که شب هنگام که هوا تاریک می شود حتی المقدور کمتر بیرون بروید و مراقب باشید که جانوران کوچک زیر پای شما از بین نروند .
3. زیبایی شناسی هم اکنون به عنوان یکی از شاخه های علمی مستقل شناخته شده و در این خصوص کتابها و نوشته های زیاد و همچنین متخصصین و عالمان ویژه ای برای این رشته علمی مرتبط با هنر وجود داد .
به عنوان نمونه و اطلاع بیشتر به این پایگاه اینترنتی نظری بیاندازید :

WWW.Contempaesthetics.org